



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس یوم سه شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۰۵ مطابق دهم جمادی الاولی ۱۳۴۵

جلسه ۳۰

غائبین با اجازه — آقایان: علی خان اعظمی، محمد آخوند،
آقاسید حسن مدرس، طباطبائی دیبا.
غائبین بی اجازه — آقایان: محمدولی خان اسدی، میرزا ابراهیم

مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر به ریاست آقای تدین
تشکیل و صورت مجلس یکشنبه بیست و دوم آبان ماه قرائت و
تصویب شد.

خان قوام، محمد هاشم میرزا افسر، میرزا حسن آقا آقازاده سبزواری، غلامحسین میرزا مسعود، والی زاده جوانشیر.

دیرآمدگان با اجازه — آقایان: آقاسید جواد محقق، مرتضی قلی خان بیات، هاشم آقا ملک مدنی.

دیرآمدگان بی اجازه — آقایان: امیرحسین خان ایلخان، فیروز میرزا فیروز، عطاءالله خان پالیزی، نویخت، میرزا ابراهیم آشتیانی.

آقای وزیر مالیه در جواب سؤال آقای دکتر سنگ راجع بمطالبه سالیات از گاوهای تلف شده و سراتعی که بواسطه گاوسیری مسلوب المنفعه مانده و حفظ گاوهای موجود در سازندگان اظهار نمودند راجع به گاوهای تلف شده چنانچه در اثر سبزیهای سابق سالیاتی مطالبه شده مدتی است دستور داده شده است از این بابت چیزی مطالبه نمایند و در سراتع مسلوب المنفعه هم امر شده است رسیدگی نموده و مطالبه سالیات نمایند و برای حفظ گاوهای موجود هم وزارتین مالیه و فوائد عامه مشغول تنظیم لایحه هستند که عنقریب بمجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد.

آقای زوار راجع به تعدی مأمورین و تحصیلداران سالیه در ولایات و لزوم توجه نمایندگان نسبت به این موضوع شرحی تقریر پس از آن راپورت شعبه اول سابق راجع بنمایندگی آقای آقاسیرزا حسنخان وثوق از طهران قرائت و بمناسبت مخالفت آقای دشتی تعیین تکلیف آن به جلسه دیگر موکول گردید.

چهار فقره خبر از طرف کمیسیون عرایض و مرخصی راجع بمرخصی آقایان ملک مدنی، آقا میرزا محمدتقی طباطبائی و اعتبار، میرزا یداللهخان نظامی و نظام مافی قرائت و نسبت به هر یک جداگانه رأی گرفته تصویب شد. لایحه دولت راجع به اجازه صدور مسکوکات نقره خارجی در ظرف دو ماه که در جلسه قبل از طرف وراثت مالیه تقدیم و نسبت به آن تقاضای دو فوریت شده بود مطرح و آقای محمودولی میرزا با فوریت آن مخالف بوده عقیدهشان این بود لایحه سزبور به کمیسیون قوانین سالیه ارجاع و پس از تقدیم راپورت از طرف کمیسیون مطرح شود.

آقای آقاسید یعقوب شرحی مشعر به موافقت اظهار و نسبت به فوریت قسم اول و دوم جداگانه رأی گرفته تصویب و در اصل موضوع آقای محمودولی میرزا اظهار مینمودند کثرت رویه در سرحدات جنوب بمناسبت وجود اداره نفت جنوب است که کمپانی همه وقت برای مصرف اداره خود وارد ایران مینماید و تجار ایرانی دارای رویه زیادی نیستند که از این حیث به آنها خسارتی وارد شود و وضع این قانون موجب ضررهای اقتصادی برای مملکت خواهد بود.

آقای شیروانی و وزیر مالیه اظهار مینمودند در بنادر و سرحدات جنوبی کلیه معاملات بوسیله رویه صورت وقوع پذیرفته و اصلاً سکه دیگری در آن حدود وجود ندارد و چون رواج مسکوکات خارجی از طرف دولت در داخله مملکت قدغن شده مقدار کثیری رویه در دست تجار باقیمانده و چنانچه اجازه خروج داده نشود ضرر بسیاری متوجه تجار ایرانی میشود بنابراین برای مدت دو ماه اجازه داده میشود رویه های خود را در مقابل مال التجاره خارج نموده و پس از انقضاء مدت سزبور مجدداً از خروج آنها جلوگیری خواهد شد.

آقای عمادی اصلاحی پیشنهاد و پس از مختصر مذاکره مسترد و آقای فرزند پیشنهاد نمودند مدت دو ماه پنجمه و پس از مسکوکات نقره مسکوکات طلای خارجی هم اضافه شود و توضیحاً اظهار مینمودند در اثر تصویب قانون منع خروج طلا و نقره صرف برات لیره به نلندن متدارزیادی ترقی نموده بطوریکه فرضاً اگر تاجری برات صد هزار لیره خریداری نماید بایستی هفتاد هزار تومان صرف بدهد و چنانچه بصندوق مسکوک طلای خارجی مجاز باشند این ضرر هنگمت غاید آنها نخواهد شد و از این راه ضرری هم متوجه مملکت نمیشود زیرا امروزه طلا و نقره در دنیا ثروت محسوب نبوده و میزان ثروت هر مملکتی منوط بکارکرد اهل آن مملکت است.

آقای شیروانی اظهار مینمودند میزان اعتبار هر مملکت مخصوصاً معاملات صرافی منوط به مقدار طلائی است که در مملکت موجود است و بدیسی است آزادی صدور طلا و نقره جز ضرر اقتصادی نتیجه دیگری نخواهد داشت.

آقای آقاسید یعقوب پیشنهاد نمودند بجای بیستم آبان جمله (پس از تصویب این قانون) نوشته شود و آقای فیروز میرزا پیشنهاد نمودند عبارت (نظر به اینکه در ممالک محروسه ایران غیر از سکه ایرانی نباید رواج داشته باشد) در اول ماده اضافه شود و آقای وزیر مالیه هر دو فقره را قبول نموده و آقای شیروانی تقاضا نمودند نسبت به این قسمت و ماده جداگانه اخذ رأی شود.

آقای دادگر پیشنهاد نمودند چنانچه دقیقه تنفس داده شود و نسبت به پیشنهاد ایشان رأی گرفته رد و بدواً بقسمت اضافی که از طرف آقای فیروز میرزا پیشنهاد شده بود با تبدیل (مالک) به (مملکت) و بعد بقسمت دوم و مجدداً نسبت بمجموع ماده جداگانه اخذ رأی شده تصویب گردید.

در این موثق جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله یک ربع ساعت مجدداً تشکیل و آقای حائری زاده پیشنهاد نمودند خبر کمیسیون مبتکران راجع بالغاء مالیاتهای صنفی در درجه اول جزو دستور شود و پس از مختصر مذاکره پیشنهاد ایشان تصویب و خبر سزبور قرائت و مطرح شد.

آقای نهبی اظهار مینمودند از قرار اظهار رئیس کل مالیه لایحه در این خصوص از طرف دولت تقدیم خواهد شد و بهتر این است این مسأله فعلاً مطرح نشود تا لایحه آن از طرف دولت تقدیم مجلس شود و به علاوه ارجاع این طرح به کمیسیون بودجه مناسبت ندارد و از وظائف کمیسیون قوانین مالیه است.

آقای حائری زاده اظهار مینمودند اولاً ممکن است در کمیسیون بودجه نظریات دولت جلب و به هر شکلی مقتضی است این لایحه تنظیم و به مجلس تقدیم شود و ثانیاً چون برقراری این مالیاتها بر طبق قانون مصوب مجلس نبوده و همه ساله در بودجه منظور شده ارجاع به کمیسیون بودجه انطباق خواهد بود. بالاخره نسبت به طرح سزبور رأی گرفته قابل توجه و به کمیسیون بودجه ارجاع گردید.

خبر کمیسیون بودجه راجع به ماده چهارم قانون استخدام مهندسین اسریکائی برای نقشه برداری راه آهن قرائت و نسبت به آن

و دستور آن خبر کمیسیون فوائد عامه و خارجه راجع به اتوبوس رانی در طهران و راه شمیران مقرر و مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد. نسبت به صورت جلسه مخالفتی نبود و تصویب گردید. یکشنبه ۲۹ آبان ماه ۱۳۰۵.

رئیس مجلس شورای ملی — سید محمد تدین (منشی: سید ابراهیم ضیاء) (منشی: میرزا حسین خان موثر)

صورت مشروح مجلس سه شنبه بیست و چهارم آبان ماه ۱۳۰۵ مطابق دهم جمادی الاولی ۱۳۴۵

به این کار بسیار خوب همه اینها اقداماتی است که هیئت دولت فرموده اند و بالاخره این اقدامات برای این است که در آتیه گاوهای که باقی مانده است از این مرض مصون بمانند. اما بنده میخواهم عرض کنم (همانطور که آقای وزیر فوائد عامه هم در جلسه گذشته فرمودند) که این اشخاص با همه زحمات در روز صد سرم میتوانند تهیه کنند که در ماه سه هزار سرم میشود و این مقدار سرم کافی نیست و بنده یقین دارم گاوهای هم که باقی مانده است از بین خواهند رفت. و در آتیه زراعت بکلی تعطیل خواهد شد. بنده نمیخواهم اینجا بیشتر از این وقت مجلس را بگیرم. اگر آقایان روزنامه ستاره ایران را ملاحظه فرموده باشند آقای دکتر گل سرخی در آنجا مقاله نوشته اند و کاملاً ثابت کرده اند که این قضیه به تمام مملکت ایران صدمه خواهد زد. موضوع دیگری را میخواهم عرض کنم و آن این است که آنهایی که گاویشان سرده چه باید بکنند؟

آنهاست که در نتیجه گاوسیری زراعتشان معطل است اسباب و گاو و ماشین ندارند چه باید بکنند؟ و برای آتیه آنها چه فکری شده است؟ بنده میخواهم از حضور محترم آقایان نمایندگان استدعا کنم که همه آقایان از هیئت دولت تقاضا کنند که راجع به امور زراعت آتیه این مملکت فکری بکنند. فرق ندارد همانطور که در اصطهان یا در شیراز درگاه های گوسفند ناخرشی بینند چه قدر اسباب ضرر میشود همین طور هم در سازندگان یا نقاط دیگر اگر گاوسیری بشود همان اندازه ضرر هست بعلاوه ضرر زراعتی هم دارد. یک رعیت بیچاره که امروز شاید پیراهن ندارد و در این فصل زمستان بالاپوش ندارد از کجا میتواند گاو تهیه کند؟ اولاً گاو نیست. فرضاً هم گاو باشد از کجا پول بیاورد؟ مالک هم که ندارد. بنده در این موضوع هم نمیخواهم زیاد صحبت کنم که چرا مالک ندارد. همینقدر عرض میکنم به اندازه که بنده خبر دارم سازندگان یک اشخاص ملاحی ندارد که بتوانند برای رعایای گاو تهیه کنند. بنده عقیده ام این است که هیئت محترم دولت باید این موضوع را پیش بینی کند که یک اقداماتی در این موضوع بکنند که در آتیه زراعت بعمل بیاید که هم دولت به مالیات برسد و هم مردم چیزی داشته باشند بخورند. البته اگر در مملکت پول بودو تجار بیچاره میتوانند مقدار پولی که در زوایای صندوقشان هست بکار بیندازند باز خوب بود ولی متأسفانه آنها هم جزئی پولشان را داده اند پشم و پنبه و سرکبات و برنج و غیره خریده اند و همه اینها جمع شده است در سرحدات و برای اینکه راه مسدود است

نیز اخذ رأی شده تصویب و در ضمن شور کلی آقای آقاسید یعقوب شرحی مشعر به مخالفت با ماده سوم تقریر و آقای دادگر مختصری مبنی بر موافقت اظهار و نسبت به قانون سزبور با ورقه رأی گرفته از ۸۶ نفر نمایندگان حاضر به اکثریت ۶۳ رأی تصویب گردید.

جلسه آتیه به روز یکشنبه ۲۹ آبان ماه سه ساعت قبل از ظهر

مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید.

(صورت مجلس یکشنبه بیست و دوم آبان ماه را آقای آقاسید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند)

رئیس — آقای دکتر سنگ (اجازه).

دکتر سنگ — قبل از دستور.

رئیس — آقای زوار (اجازه).

زوار — متأسفانه قبل از دستور.

رئیس — آقای محمودولی میرزا (اجازه).

محمودولی میرزا — قبل از دستور.

رئیس — آقای سیرزا یداللهخان (اجازه).

سیرزا یداللهخان — بنده هم قبل از دستور عرض دارم.

رئیس — صورت مجلس تصویب شد. آقای دکتر سنگ (اجازه).

دکتر سنگ — بنده همان قدری که وقت مجلس را ذی قیمت میدانم همانقدر هم عرایض خودم را مهم میدانم. این است که استدعا کردم عرایضی که دارم قبل از دستور عرض کنم و آن موضوع گاوسیری است که کراراً در اینجا مذاکره شده و در موقعی که برگرام هیئت محترم دولت مطرح بود اگر خاطر محترم آقایان باشد بنده عرض کردم که این موضوع بسیار مهم و یک موضوع حیاتی است و دولت باید عاجلاً از شیوع این مرض در این مملکت جلوگیری کند چرا؟ برای اینکه دولت در آتیه نه تنها نمی تواند مالیات بگیرد بلکه باید اعاشه هم بپردازد. بعد هم آقای شریعت زاده در یکی از جلسات در همین زمینه بیاناتی فرمودند و همین طور آقای دادگر. و بطوریکه در نظر دارم آقای ارباب هم در همین موضوع شرحی بیان فرمودند بنده در عین حال از هیئت محترم دولت تشکر می کنم که به این موضوع برخوردند و آقای وزیر فوائد عامه هم شخصاً به سازندگان تشریف بردند و اوضاع اسفناک آنجا را دیدند و آقای دکتر ابوالقاسم خان بهرامی حقیقه فوق العاده زحمت کشیدند تا این مؤسسه را تأسیس کردند به آنجا تشریف بردند و نواقصی در آن مؤسسه مشاهده فرمودند که پس از مراجعت بنده کاملاً استحضار دارم برای تکمیل آن اقداماتی فرمودند و بنده مسترهلک را کراراً ملاقات کردم و علاقه مخصوصی در این قضیه اظهار میفرمودند. و اخیراً آقای دکتر گل سرخی که تخصص مخصوصی در این فن دارند تشریف برده اند به سازندگان برای سرکشی

ابدأ حمل نمیشود و همینطور مانده است. در این موضوع هم نمیخواهم زیاده براین عرضی بکنم زیرا آقای وزیر امور خارجه در دو سه جلسه قبل فرمودند شاید تا دو هفته دیگر به این موضوع خاتمه بدهند. پس از آقایان سؤال میکنم آنهایی که گاوشان مرده و محتاج به زراعت هم هستند چه باید بکنند؟ (همانطور که آقای حائری زاده هم فرمودند برای ما یزد و اصفهان و کرمان فرق ندارد) امروز استرآباد در اینجا و کیل ندارد. اگر یک سانحه برای استرآباد رخ بدهد بر تمام ماها لازم است که رفع آن را بکنیم. ما خودمان را و کیل تمام ایران میدانیم. این مردم گاو میخواهند و منتظرند به تقاضای مشروع آنها ترتیب اثری داده شود. بنده خودم را مکلف میدانم که برای تقاضای مشروع سوکلین خودم کوشش کنم. موضوع دیگر اینکه از حضور آقای وزیر مالیه با علاقه مندی کابلی که شخص محترم ایشان باصلاح امور دارند سؤالی کرده بودم راجع به سراتعی که تعریف نشده که تکلیف آنها چیست؟ در مازندران یک قسم سراتعی هست که عبارت است از چند جاهائی که درخت دارد و اسم آن را جنگل گذاشته اند و این جنگلها جاهائی است که باید گاوها بچرند و صاحبان این سراتع ملک خودشان را به گاودارها اجاره میدادند و از این راه استفاده میکردند و استناده سالک مربوط بعایدی او بود بر حسب وسعت سراتع. اخیراً که بنا شده است دولت از مالکین سراتع عشریه بگیرد چون این جنگلها را هم مال یک اشخاصی می بیند از آنها عشریه مطالبه میکند. در صورتی که گاومیری شده و سراتع را اجاره نداده اند و پولی هم نگرفته اند و دولت حقاً نباید از آنها مالیاتی بگیرد. بنده در هفتم مهرماه یک چیزی حضور محترم آقای وزیر مالیه نوشتم و تقدیم داشتم ایشان هم کمالاً اظهار علاقه مندی کردند ولی دیگر تا مدتی خبری از مازندران نداشتیم. اخیراً باز اتصالاً برای من و سایر نمایندگان مازندران مینویسند که این قضیه را یک قسمی خاتمه دهید. دفعه دیگر که حضور آقا مشرف شدم ایشان هم تأکید فرمودند. ولی بنده با این عقیده که دارم که باید برای سوکلین خودم بدم یک جوابهایی که آنها را قانع بکند ندارم که به آنها بدهم. این بود که خواستم در مجلس شورای ملی حضور محترم آقا عرض کنم که با اینکه ایشان شرحی به بنده مرفوم فرموده اند که باده سالیه مازندران دستور داده شده در این خصوص اقدامات لازمه بنماید ولی چون پیشکار مالیه مازندران تشریف آورده اند به طهران و اگر بخواهند باز یک مدتی طول نکشد تا جریان اداری را طی کند و مازندرانها زودتر از این زحمت خلاص شوند خوب است از همین پیشکار مالیه که طرف اعتماد دولت و مازندرانها است سؤال کنند و حکم قطعی صادر فرمایند که از سراتعی که اجاره نرفته است مالیات نگیرند. از ده ویران که ستاند خراج. یکی دیگر اینکه از گاومرده مالیات میخواهند! نمیدانم چه طور شد که از سه چهار سال قبل گفتند گاوها باید مالیات بدهند و قرار هم این شد که هر سه سال یکمرتبه معیزی کنند و مالیات بگیرند. سال اول و دوم هم مطابق معیزی که کردند مالیات گرفتند امسال هم که گاوها مرده اند همانطور مالیات میخواهند.

بنده گمان نمیکنم خاطر محترم آقای وزیر مالیه مستحضر باشد اسنای جزء این کارها را می کنند. بعد هم خدمتشان شرفیاب میشوم و مفصلاً عرض میکنم. اگر این هم حقیقت دارد استدعا میکنم جلوگیری فرمایند.

رئیس - قسمت اخیر فرمایشات آقا به مذاکرات خصوصی بین دو نفر شبیه تر بود.

وزیر مالیه - سؤالی آقای دکتر سنگ در این باب کرده بودند ولی اینکه حالا تذکر دادند سه موضوع بود یکی راجع به گاوهائی که تلف شده اند. یکی هم راجع به سهل تعریف آنها. یکی هم راجع به گاوهائی که باقی هستند و باید حفظشان کرد. آنچه دستور از طرف وزارت مالیه داده شده است این است که: از گاوهائی که تلف شده اند مالیات نگیرند و این دستور قطعاً داده شده است و اگر اظهاری هم کرده باشند که از گاوهای مرده مثلاً مالیات میخواهند (در صورتیکه تصور نمیکنم حقیقت داشته باشد) شاید برای ترتیب معیزی سابق بوده که مطالبه کرده اند ولی دستور مخصوص داده شد که گاوهای مرده را معفو بدارند. و همچنین در ده روز قبل که آقایان نمایندگان مازندران تذکر دادند که سراتع بواسطه مردن گاوها از استفاده افتاده است دستور داده شد که رسیدگی کنند و آن اراضی را که بواسطه مردن گاوها از استفاده افتاده از مالیات معاف دارند. در موضوع گاوهای زنده هم وزارت فوائد عامه به اتفاق وزارت مالیه مشغول تهیه پیشنهادی است که آن پیشنهاد عنقریب به عرض مجلس خواهد رسید و اسیدواریم راجع بجلوگیری از این فقره، اقداماتی که لازم است بشود و نتیجه مطلوبه بدست آید. رئیس - آقای زوار (اجازه).

زوار - در جلسه گذشته همکار معظم بنده آقای شیروانی فرمودند خوشبختانه پس از سه ماه اولین مرتبه ایست که پشت تریبون آمده و قبل از دستور صحبت میکنند ولی متأسفانه این پنجمین دفعه ایست که بنده اینجا شرفیاب شده ام و بدبختانه نه فرمایشات آقای شیروانی که حقایق برجسته بود مؤثر واقع شد و نه عرایض بنده. اولین دفعه که اینجا شرفیاب شدم خاطر دارم که علت العلل بدبختی مملکت را در دو موضوع تشخیص دادم. نقصان معارف و عدم مجازات خائنین مملکت. مؤثر واقع نشد (تشجیع هم شدند) در جلسه دوم باز شرحی عرض کردم راجع بانقصان معارف و پیشنهادی هم تقدیم کردم که باید در صدر معارف ایران برای اینکه معارف را از این ذلت و فلاکت بیرون آورد یک نفر برای مدت پنجسال مثل مستشارهائی که هستند قرار بگیرد. باز مؤثر نشد. حتی در خارج هم یک نفر از آقایان از من سؤال نکردند که این چه پیشنهادی بود؟ عقیده ات چه بود؟ در جلسه سوم قانون اساسی را پیشنهاد کردم اجرا شود. آن هم اجرا نشد در جلسه چهارم راجع به عدالت عرض کردم که رعایا فاقد عدالتند و ما را برای عدالت اینجا فرستاده اند که وسائل آسایش و راحتی آنها را از دست مأمورین کشوری (حالا...) فراهم کنیم باز هم توجیبی نشد و از بنده هم سؤال نشد که این سؤالی که کردی اصلاً چه مأخذی داشت. حالا هم فقط برای آخرین مرتبه میخواهم عرض کنم که اگر

آقایان بخود بنده کم لطف هستند و باید هم باشند بعرایض بنده توجه فرمایند. عرب گوید: انظر ما قال ولا تنظر بمن قال. بشنوید. ببینید بنده چه میگویم بخود بنده چه کار دارید؟ به عرایض بنده گوش کنید بنده عرض میکنم حاسبوا قبل ان تحاسبوا حساب بدهید قبل از اینکه شما را بحساب دعوت کنند (یعنی بنده را) ملت فوق آنچه تصور فرمایید در فشار است ابواب عدالت بکلی مسدود است. آن رعایائی که شما را انتخاب کرده اند و به مجلس شورای ملی فرستاده اند و از دسترنج و خون جگر خود ماهی دویست تومان بشما حقوق میدهند. آن رعایا. آن فلک زده ها الان دچار و اسیر چنگال مأمورین کشوری هستند. اعم از حاکم یا تحصیلداران مالیه (خوب است که آقای وزیر مالیه هم تشریف دارند) بنده عرض میکنم دیشب را نخوایدم. علت چه بود؟ برای اینکه از ترشیز یک کاغذی به بنده رسید که در اثر فشار و سختی محصلین مالیه یک نفر در دهات ترشیز بیچه سقط کرده بنده ثابت میکنم و نشان میدهم. سابقه هم دارد. رعیت از دادن مالیات مستنکف نیست!! مالیات مستقیم و غیر مستقیم خودش را سپردارند نجابت و اصالت ملت ایران حتی بخارجه ها هم معلوم شده است و فهمیده اند که این ملت اصیل و نجیب است. دیگر علت این فشارها را بنده نمیدانم برای چیست؟ بنده از بودن آقای وزیر مالیه استفاده میکنم. عرض نمیکنم همه مأمورین مالیه بد هستند ولی محصلین و آنهایی که برای آتیه خودشان یک حرکتی می کنند که روح انسانیت را کدر میکند بنده از آقای وزیر مالیه استدعا میکنم توجه فوق العاده فرمایند و از حرکات آنها جلوگیری فرمایند که اقلاً رعیت آسوده شود. مثلاً در طی ملاقات با آقای دکتر سیلسپو به ایشان گفتم که مأمورین مالیه فوق العاده تعدی میکنند جواب دادند که مدرک بدست من بدهید. گفتم آقا هیچ کجا سابقه ندارد که دو نفر در این قبیل مواردند بدست هم بدهند بعلاوه چه مدرکی از این بالاتر که یک کسی ماهی سی تومان حقوق بگیرد و ماهی دویست تومان خرج کند. باید تقشیر کرد که از کجا سیآوردند مأمور مالیه قادر نیست بمالک تعدی کند ولی به رعیت بیچاره تا میتواند تعدی میکند و در حق آنها فروگذار نمی کند. بنده به نام عدالت و مروت و به نام انصاف از تمام همکارهای خودم خواهش می کنم که در این خصوص اقلاً با من همصدا شوند که رعیت بیچاره را از دست تحصیلداران بی انصاف مالیه خلاص کنند.

جمعی از نمایندگان - دستور.

رئیس - خبر شعبه اول سابق راجع به نمایندگی آقای میرزا حسن خان وثوق مطرح است. (آقای فاطمی احضار و راپورت مزبور را بشرح ذیل قرائت نمودند)

شعبه اول بدوسیه انتخابات طهران رسیدگی نموده جریان انتخابات از قراری است که به عرض مجلس شورای ملی رسیده در نتیجه آقای میرزا حسن خان وثوق به اکثریت ۷۹۳۴ رأی از ۲۰۴۲۶ رأی حائز اکثریت شده اند شعبه صحت این انتخاب را تصدیق و راپورت آنرا تقدیم مینماید.

دشتی - بنده مخالفم.

رئیس - پیشنهاد برای جلسه دیگر. خبر کمیسیون عرایض و مرخصی راجع بمرخصی بیست روزه آقای ملک مدنی مطرح است کمیسیون هم تصویب کرده است. (اینطور خوانده شد)

آقای ملک مدنی نماینده محترم ملایر از مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی برای رسیدگی به اسورات محلی از تاریخ حرکت بیست روزه اجازه مرخصی درخواست مینماید. کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب نمود.

رئیس - رأی گرفته میشود به مفاد این خبر آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند. (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر راجع بمرخصی بیست روزه آقایان میرزا محمد تقی طباطبائی و اعتبار، کمیسیون هم تصویب کرده است.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

آقایان میرزا محمد تقی طباطبائی و اعتبار نمایندگان محترم بروجرد شرحی به مقام منبع ریاست مجلس مقدس معروض داشته و از تاریخ حرکت بیست روزه برای مسافرتی که در نظر دارند. اجازه مرخصی خواسته. کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب مینماید.

رئیس - رأی میگیریم به مفاد این خبر آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر راجع بمرخصی پنج روزه آقای میرزا یدالله خان است که از سابق کرده حالا میخواهند با اجازه محسوب شود کمیسیون هم موافقت کرده است. (به شرح ذیل خوانده شد)

آقای میرزا یدالله خان نظامی نماینده محترم ساوجبلاق از مقام محترم ریاست مجلس مقدس بواسطه کار مهمی که پیش آمده از ۱۵ - آبان پنج روزه اجازه مرخصی درخواست نموده اند کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب مینماید.

رئیس - رأی گرفته میشود به مفاد این خبر آقایانیکه موافقت قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای نظام مافی چند روزی غایب بودند و استجازه کرده اند که غیبت ایشان با اجازه محسوب شود و حقوق آن ایام را هم به کتابخانه مجلس تقدیم کرده اند. (به ترتیب ذیل خوانده شد)

آقای نظام مافی نماینده محترم بوشهر نظر به مسافرتی که لزوماً پیش آمده غیبت نمودند از تاریخ هشتم آبان الی یازدهم اجازه مرخصی از مقام منبع ریاست مجلس شورای خواستند و حقوق خود را به کتابخانه مجلس مقدس تقدیم داشته کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب مینماید.

رئیس - رأی گرفته میشود به مفاد این خبر آقایانیکه

موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. در جلسه گذشته یک لایحه از طرف وزارت مالیه تقدیم مجلس شده بود و تقاضای فوریت هم شده بود آقای وزیر مالیه هم اشاره کردند. لایحه راجع است به اجازه صدور مسکوکات نقره خارجی از ایران برای یک مدت معینی قرائت میشود. (به شرح آتی خوانده شد):

مجلس بتدیس شورای ملی — بطوریکه خاطر آقایان نمایندگان محترم مسبوق است بموجب قانون مصوب ۲۴ مهر ۱۳۰۵ — خروج کلیه مسکوکات طلا و نقره بدون استثناء از سرحدات ایران ممنوع میباشد نیز برای آنکه در تمام مملکت پول رسمی ایران یعنی فقط قران رواج داشته و از تداوم پولهای خارجی جلوگیری شود، هیئت دولت بموجب تصویب نامه چهارم مرداد ۱۳۰۵ استعمال روپیه را در ایران ممنوع و از تاریخ دوم آبان ماه ۱۳۰۵ — کلیه معاملات تجارتي باید در داخله مملکت بوسیله قران صورت بگیرد. بدیهی است آقایان نمایندگان محترم تصدیق خواهند فرمود که این تصمیم دولت کاملاً صحیح و اجرای آن از برای حفظ وحدت پول مملکتی لازم است. ولی چیزیکه هست تا به حال روپیه در نقاط جنوب مملکت خیلی در معاملات بکار رفته و فعلاً نیز مقادیر زیادی از آن در نواحی مذکوره وجود دارد و چون روپیه پول اسمی است یعنی به اندازه قیمت اسمی خود نقره ندارد لذا باقی ماندن مقدار روپیه که فعلاً در ایران مخصوصاً در نواحی جنوب موجود است موجب خسارت کلی دارندگان آن خواهد شد زیرا بموجب تصمیم دولت اهالی و تجارتخانهها سلباً نمیتوانند روپیه را در معاملات تجارتي بکار برند و بموجب قانون ۲۴ مهر ۱۳۰۵ نیز از صدور آن ممنوع هستند. اگر دولت بخواهد خود روپیه را جمع آوری کرده و در عوض مسکوک نقره به صاحبان آنها بدهد این معامله علی‌الحال برای یکی از طرفین ضرر خواهد داشت زیرا اگر دولت در مقابل روپیه که جمع آوری میشود معادل قیمت مقدار نقره واقعی آن به اشخاص قران بدهد صاحبان روپیه قریب نصف متضرر میشوند و اگر بخواهد معادل قیمت اسمی روپیه به آنها قران تحویل نماید همان مقدار ضرر دولت خواهد شد. بدین لحاظ بعقیده دولت سهل طرقی که نه ضرری بدارندگان روپیه وارد آید — و نه خسارتي متوجه دولت گردد آن است که مجلس مقدس اجازه بدهند تا مدت دو ماه خروج مسکوکات نقره خارجی از ایران مجاز باشد یعنی در ظرف مدت مزبور قانون ممنوعیت صدور طلا و نقره شامل مسکوکات نقره خارجی نشود. این است که به قید دو فوریت از مجلس مقدس تقاضای تصویب ماده واحده ذیل میشود:

ماده واحده — مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد از تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۰۵ تا مدت شصت روز از صدور مسکوکات نقره خارجی از سرحدات ایران ممانعت ننماید. پس از انقضای مدت مزبور قانون ۲۴ مهر ۱۳۰۵ مجدداً شامل این قبیل مسکوکات نیز شده و صدور آنها کما فی السابق کاسلاً ممنوع بوده و جنس محسوب خواهند بود.

رئیس — فوریت اولش مطرح است. آقای آقا سید یعقوب.

(اجازه).

آقا سید یعقوب — موافقم.

رئیس — آقای یاسائی (اجازه).

یاسائی — موافقم.

رئیس — آقای فهیمی (اجازه).

فهیمی — بنده هم موافقم.

رئیس — آقای زوار.

زوار — موافقم.

رئیس — آقای دادگر.

دادگر — موافقم.

رئیس — آقای فرمند.

فرمند — موافقم.

رئیس — آقای شیروانی (اجازه).

شیروانی — موافقم.

رئیس — آقای عمادی.

عمادی — موافقم ولی فقط میخواستم عرض کنم این لایحه راجع بروپیه تنها بود ولی اینجا بطور کلی نوشته شده است (پولهای نقره خارجی) خوب است اصلاح شود.

رئیس — در موقعیکه خود ماده مطرح میشود ممکن است بفرمائید. فعلاً فوریتش مطرح است.

آقای محمد ولی میرزا. (اجازه).

محمد ولی میرزا — مخالفم.

رئیس — بفرمائید.

محمد ولی میرزا — این لایحه بطوریکه آقایان متوجه شده اند تازه قرائت شد و این طور هم که قرائت شد کاسلاً ذهنمان باین قضیه آشنا نشد. یعنی بنده شخصاً سلنت نشدم و چون فوق العاده به این لایحه اهمیت میدهم و این مسئله را هم بفتح دولت نمیدانم با تمام این مقدماتی که در آنجا نوشته شده مخالفم و با یک حساب سهل و ساده میشود ثابت کرد که این لایحه بضرر دولت است. عقیده بنده این است که اولاً یک همچو لایحه با آن نظریکه آقایان دارند هیچ ضرری ندارد که طبع شود که جلو چشممان باشد و کاسلاً از موادش مستحضر شویم و ثانیاً برود بکمسیون قوانین مالیه و کمسیون مربوطه و یک شور بشود و برگردد بمجلس و این لایحه از آن لواجی نیست که ضرورت ایجاب کند فی المجلس ما با قیام و قعود رأی بدیم و بنده این را باینصورت رأی دادن مضراتش را بیشتر از نفعش میدانم.

رئیس — آقای آقا سید یعقوب (اجازه).

آقا سید یعقوب — بنده خیلی تعجب میکنم که شاهزاده محمد ولی میرزا بقدری در این باب اظهار حرارت کردند که بنده نفهمیدم آقا بنده خودم در پشت کوه رفتم و تمام آقایان میدانند که در بنادر جنوب روپیه جای سکه ایران رواج دارد! دولت ایران و این کابینه یک کاری کرده است که حقیقه بنده تقدیس می کنم و آن این است که گفته است وحدت ملی محفوظ بماند و این روپیه را باید

تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان — قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد — ماده یک مرتبه دیگر قرائت میشود (بشرح سابق خوانده شد)

رئیس — آقای محمد ولی میرزا — (اجازه)

محمد ولی میرزا — اولاً بنده ناگزیرم این عرض را بکنم تا در این مجلس در این چندجلسه که بنده هستم راجع بمسائل مالی و اقتصادی و بودجه که صحبت میشود یک قسمت از آقایان محترم برای پیش بردن مقاصد خودشان هیچ باظهارات آن نماینده که مخالف است توجه نمیفرمایند و آن مقصودی را که در نظر دارند یک طریقی جلوه گر می کنند و یک اوصافی برای آن اظهار می کنند که افکار مجلس را متشتت می کند و البته مقصود خودشان را هم پیش میبرند. بنده کار ندارم. این هم البته یک روپیه ایست برای پیش بردن مقصود نماینده باید بهر طریقی که صلاح میداند متوسل بشود برای نیل به مقصود خودش ولی در مسائل اقتصادی باید دقت کرد در این مسئله که الان مطرح است اولاً بنده همچو اظهار حرارتی نکردم که آقای آقا سید یعقوب فرمودند. بنده عرض کردم این مسئله از مسائلی نیست که یک دفعه در مجلس طلوع کند و بفوریت آن رأی گرفته شود و اگر هر آینه موافقت بشود که برود به کمسیون قوانین مالیه و در آنجا شور بشود و توضیحاتی داده شود و یک قدری اذهان بان آشنا بشود البته بهتر است بنده که امروز این را شنیدم و الان آقای آقا سید یعقوب روزنامه را به بنده دادند که مطالعه هم نکردم. همینطور آمده و به دوفوریت آن رأی داده شده. بنده پیش خودم همچو تصور میکنم که این مسئله یک مضرات اقتصادی برای مملکت خودم دارد و این هم لازمه اش این نیست که بکسی بر بخورد و آقایان عصبانی بشوند یا چه بگویند. اینجا هیچکدام کافی نیست برای اینکه بنده عریاض خودم را اینجا عرض نکنم و البته بنده عقایدی را که دارم و چیزی را که به فهم خودم جلوه گر میشود اینجا عرض میکنم. آقایان هم البته اگر خواستند بنده را قانع بفرمایند ادله ذکر می کنند که شاید بنده هم قانع شدم پس اینجا موضوع احساسات نیست! نه صحبت شیرو خورشید است و نه صحبت تاج کیان و نه چیز دیگر!! هیچ این صحبتها در بین نیست. تمام اینها مسائل مقدس است که ما همه تعظیم و تکریم میکنیم و وزیر آن بیرقی که آقای آقا سید یعقوب هستند ماها هم هستیم و آن بیرق را تقدیس میکنیم ولی این مسائل از نقطه نظر اقتصادی هیچ مربوط نیست. احساسات را باید کنار بگذاریم و دقت بکنیم که واقعاً این مسائل همینطور است یا نه؟ مقداری سکه خارجه در مملکت ما هست این سکه حکم یک امتعه خارجی را دارد. همانطور که امتعه خارجی در مملکت ما رواج دارد این سکه خارجی هم آمده است در مملکت ما و این دست و آن دست گشته است. در مملکت ما مسلم است سکه اصلی که رواج دارد همان قران است با آن علائمی که فرمودند (شیرو خورشید و علائم مملکت) و این را تمام دنیا و صرافان دنیا همه بخوبی آگاه و مستحضرند و اگر یک سکه دیگری هست از نقطه نظر متاع خرید

جمع کرد. اگر در طرف شمال هم چرونس یا مسسات باشد باید جمع کنند. آخر باید وحدت ملی ما محفوظ بماند. یک مملکتی با این همه اختلاف میشود؟! لباسش مختلف! حسابش مختلف! سکه اش مختلف! میزانش مختلف! آنوقت بگوئیم ما وحدت ملی داریم؟! دولت از اول دوره پنجم یک فلسهائی برداشت برای وحدت ملی و میزان و مقادیر را اصلاح کرد و یک قانونی آورد بمجلس و تصویب شد که انشاء الله عملی بشود. الان در تمام جنوب دوقرائی نیست! همه اش روپیه است! پشت کوه شیروید روپیه است؟! در بنادر جنوب شیروید روپیه است! دولت دولت ایران، بیرق بیرق شیر و خورشید آنوقت پول پول بمی! خیلی تعجب دارد! این دولت از جهت اینکه روپیه در تمام جنوب جمع آوری بشود (صحبت مسکوک طلا و نقره نیست صحبت روپیه است. نقره خارج نمیشود صحبت سر پولهاست است که در بین ایرانیها منتشر است که روپیه است) دولت آمده است یک تصویب نامه صادر کرده است که پول دوهزاری که دارای سکه شیرو و خورشید و بیرق و تاج کیان است رواج شود. این را میشود مخالفت کرد؟!.

شیروانی — خیر.

آقا سید یعقوب — حالا دولت آمده است این تصویب نامه را صادر کرده است قبل از اینکه این کار را بکنند روپیه در آنجا معمول بوده. از آنطرف هم ما قانون گذرانیم که مسکوک طلا و نقره مطلقاً از ایران نباید خارج شود. آنوقت تجار بندرعباس، بندر لنکه، محمره و جاهای دیگر که روپیه دارند تکلیفشان چیست؟ یا باید دولت نقره بدهد و این روپیه ها را جمع کند که این به ضرر دولت است. چنانکه دولت در لایحه هم اشاره کرده است که روپیه مطابق قیمتش نقره ندارد و اگر در مقام معیار بیاید و در بوتته بریزند معلوم میشود که آن مقداریکه قیمت دارد نقره ندارد. اگر دولت بخواهد باندازه قیمت آن نقره بدهد ضرری کند و اگر بخواهد بان اندازه که نقره دارد پول بدهد این ضرر برای آن بیچاره ایست که قبل از صدور این تصویب نامه این پول را داشته است. اینجا صحبت پول طلا و نقره نیست صحبت قران است....

یک نفر از نمایندگان — روپیه.

آقا سید یعقوب — بلی روپیه (از بسکه خوشم بیاید یادم می رود) این کار چه اشکالی دارد! کجای مملکت را این تصویب نامه بهم زده است؟! کاش همه تصویب نامهها اینطور بود نه مثل تصویب نامه جنگل.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — رأی گرفته میشود بفوریت اول این لایحه، آقا بانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. فوریت ثانی و شور در خود مجلس یعنی عدم ارجاع به کمسیون مخالفی ندارم؟

(گفته شد خیر)

رئیس — رأی گرفته میشود بفوریت ثانی این لایحه آقایانیکه

فروش میشود. مگر در بازار طهران لیره عثمانی یا پوند انگلیس داد وستد نمیشود؟ مگر سکه های دیگر در ایران نیست؟ نه اینکه اینها سکه رسمی مملکت ما است اینها فقط از نقطه نظر استعمال و یکی از اقسام استعمال خارجی است که در مملکت ما جریان دارد همینطور در سایر نقاط دنیا. مثلاً اگر در پاریس اشرفی را بیک صرافخانه بپسند قبول نمیکند.

شیروانی - خیر.

محمد ولی میرزا - البته قبول میکنند از نظر اینکه طلاست و یک استعمال است و اگر سکه ما آنجاها کمتر رواج دارد برای این است که داد وستد ما با بازار دنیا کمتر است و هیچ علت دیگری ندارد. پس بچه فلسفه در پاریس یا در بازار لندن دلار آمریکا رواج دارد؟ مگر پوند انگلیس در بازار پاریس مصرف ندارد؟ اگر کسی یک چیزی بخرد و یک پوند انگلیس بدهد قبول نمیکند؟ البته قبول می کنند. ولی سکه رسمی فرانسه است و لوییز و اینها یک جریان خاصی دارد پس از این نقطه نظر اینها ایداً بان قضایائی که اصول بیانات آقا بود ربطی ندارد. آمدیم سر قضایای اقتصادی. بنده عرض میکنم امروز یک مقداری رویه در بنادر جنوب هست چنانکه سنات طلا خیلی در آذربایجان هست. خود لایحه دولت کاملاً این مسئله را روشن کرده که عبار نقره رویه کم است و باندازه قیمتی که داد وستد میشود نقره ندارد. اگر رویه سه قران یا چهار قران یا دو قران در آنجا مصرف میشود باین میزان نقره ندارد و امروز لایحه میاید برای اینکه این پول طرف دادوستد نباشد. این راههای مختلف دارد. این پول در آنجا بطوری طرف داد وستد است که ادارات دولت هم قبول میکنند. ادارات نباید قبول بکنند. پستخانه در بنادر جنوب نباید رویه را قبول بکند. باید قران قبول کند. اگر کسی بخواهد از بابت مالیات رویه بدهد امین مالیه باید قبول نکند و بگوید قران بیاورید. در این قسمتها است که شما میتوانید تأثیر بدهید بان جملاتی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند. از این قسمت که صرف نظر کنیم به بینیم امروز این رویه که مطرح مذاکره است دست کیست؟ دست این و آنست؟ خبر ما میدانیم این رویه که بایستی خوارها به بنادر جنوب وارد میکنند برای مزد عملجات نفت جنوب است اگر نفت جنوبی در آنجا نبود رویه هم در حدود جنوب پیدا نمیشد. اگر هم پیدا میشد باین اندازه نبود که دولت مجبور بشود لایحه بیاورد برای این موضوع. همان اشخاص که بارها رویه باین مملکت میآورند برای اینکه مزد عملجات بدهند باعث این شده اند که رویه رواج پیدا کند عوض اینکه این طرز را پیش بگیرند اگر از یک منبع و سببئی جلوگیری میکردند البته اینطور جریان پیدا نمیکرد که خانه فلان زارع هم مثلاً دو تا رویه پیدا شود که یک کسی آمده است یکمن خرما خریده است اگر نظر آقای آقا سید یعقوب باشد در دوره چهارم وقتی که در اینجا راجع به مسکوکات طلا و نقره قانون وضع میکردیم راجع باین قسمت خیلی مذاکره شد. دولت وقت و وزارت مالیه آمدند اینجا مدافعه کردند و با آن طرز که آقایان پیشنهاد کردند. چرا برای اینکه گفتند که باید یک مقداری از

نقره خارج بشود برود از طریق بغداد و بصره و دوسرته داخل مملکت شود ما هم البته با یک صدقاتی قبول کردیم ولی بعد دیدیم چندین کور نقره ما از مملکت باین عنوان خارج شد با اینکه قانون وضع کرده بودیم و قانون محترمی هم بود چنانکه اگر مثلاً چند نفری زوار سیرقتند جلو آنها را میگردند تفتیش میکردند که نقره و طلا چه داری؟ همه این مطالب درباره آنها جاری بود ولی گاری گاری نقره سببند باین عنوان که میبریم و از آنطرف میآوریم در محرمه و دوسرته داخل خاک خودتان میکنیم و حالا میدانیم که این یک بهانه بود. حالا هم رویه را آن اشخاصیکه خوارها و میلیونها وارد کرده اند و رواج داده اند امروز جریان تجارتهای جنوب طوری است که این رویه عمده در دست خود آنها است و در دست مردم نیست. بنده باور نمیکنم که یکی از تجار جنوب مثلاً در محرمه یا دزفول یا بوشهر یا جای دیگر در حجره اش امروز ده هزار رویه داشته باشد (بنده ده هزارش را عرض میکنم) در صورتیکه تجار جنوبی که محترم و معتبر هستند شاید خیلی بیش از این مقدار داد وستد میکنند ولی قطع دارم که آن تجار ده هزار رویه توی صندوقشان ندارند. پس بطور مسلم این رویه با آن نظری که آقایان دارند و دلسوزی میکنند که دست یک بیچاره ایست و امروز این قانون برای او اسباب ضرر میشود نیست این موضوع قانون نمیشود! اولاً ادارات ما که در آنجا هستند باید بگویند که از این تاریخ به بعد هیچ عنوان واسم و رسم رویه را قبول نمیکنیم و باید قران بدهید و تا حالا تصوری شده است که اینکار را نکرده اند. پس ضرر بان خورده پاها وارد نخواهد شد. ما هم که قانون میگذرانیم چه میگوئیم؟ میگوئیم رویه مال هر کس هست نمیبخواهیم ضبط کنیم. میگوئیم اولاً رویه رواج نیست و نباید از طرف دوایر دولتی قبول شود. از طرف دیگر وقتی این تصمیم را گرفتیم میگوئیم این رویه که ما در اطرافش صحبت میکنیم یک متاع تجارتهای است یک متاعی است که امروز سه قران قیمت دارد فردا سی شاهی قیمت پیدا میکند از میزان عیار نقره که قیمتش پائین تر نخواهد آمد. آقایان ملاحظه بفرمایند امروز که این لایحه در مجلس طلوع کرده است وضعیت بازار از نقطه نظر برات چه صورتی دارد؟ یک لیره که قیمتش چهار تومان و نیم است اگر براتش را بخواهید بگیری پنج تومان و چهار قران است برای چه اینطور شده؟ طلا که عیار معینی دارد و آن لیره که براتش را میخرند عیارش زیادتر نیست!!

آقای آقا سید یعقوب، فرضاً امروز صد پوند طلا با آترویلان کسی ببرد در لندن قیمت آن در لندن چیست چرا امروز این پوند را در بازار وقتی میخواهند بخرند یا بفروشند چهل و شش قران قیمت دارد اما برید براتش را بخرید پنج تومان و شش قران میفروشند؟ برای چه باید چهارده قران پانزده قران تفاوت داشته باشد؟! توجه میفرمائید: درلوی این احساسات خدا شاهد است آقای آقا سید یعقوب کلاه من و شما را پر میکنند.

آقا سید یعقوب - من کلاه ندارم.

محمد ولی میرزا - اینها یک مسائلی است که عرض کردم

باید احساسات را کنار بگذاریم و آقای شیروانی هم عصبانی نشوند و با همین ادله رواج بازاری بنده اول کسی هستم که قانع شوم. این است که بنده نهایت موافقت را دارم با این قانون از یک جنبه اش جنبه اصلیش این است که رویه و تمام سکه های خارجه از این تاریخ به بعد نباید در مملکت ما رواج باشد یعنی رواج رسمی نباید داشته باشند. یعنی در ادارات ما عوض مالیات و اجرت در دوایر دولتی آنها را نباید بپذیرند ولی نسبت باین قسمت مخصوصاً راجع به رویه بنده از نظر مصالح اقتصادی مملکت اینطوریکه خودم فهمیده ام (حالا تمام مجلس هم مخالف باشند بنده اینطور فهمیده ام و البته هیچ منظوری هم ندارم) اینطور تصور میکنم که خیلی نافع باشد که ما اجازه بدهیم که رویه بصورت متاع تجارتهای درآید. آنچه منظور ما است البته قیمت تجارتهای رویه است و آن علامتش برای ما محترم و مقدس نیست برای اینکه مال اجنبی است و مثل یک شمش نقره است که دولت وارد مملکت می کند. قیمت نقره در بازارهای دنیا معین است بهمان قیمت این را هم بخرند. بعلاوه آقا: رویه را دیگران وارد مملکت ما کرده اند. دولت هیچوقت سندن داده است که رویه را در مملکت ما رواج دهد. کی وارد کرده؟ برای چه وارد کرده؟ کی بانها التماس کرده که شما رویه وارد کنید امروز ما میگوئیم نمیخواهیم رویه باین صورت جریان داشته باشد. اینهم نه فقط راجع به رویه است. چرونس و سناط و سایر سکه های خارجی هم همینطور است.

شیروانی - پس چرا مخالفت میکنید.

محمد ولی میرزا - خوبست آقا توجه بفرمایند. مخالفت بنده از یک نقطه نظر دیگری است. حالا که میخواهید بیایید اینجا و به بنده جواب بدهید خوبست دقت بفرمایید. رویه از نقطه نظر داد وستد تجارتهای باید معمول باشد منتهی رسماً نباید رایج باشد. مثل شمش نقره در بورس های دنیا رواج دارد. در مملکت ما هم طالب و مشتری دارد یکی طالب است و میخرد. جریان تجارتهای غیر از این صورتی ندارد. امروز در دنیا نقره تنزل فوق العاده دارد پول هندوستان نقره است و میخواهند پول نقره را طلا کنند و این مطالب به عقیده بنده باین سادگی نیست و خوبست آقایان بیشتر در این مسئله تفحص و تعمق بفرمایند.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه).

شیروانی - بنده برخلاف انتظار حضرت والا هیچ اوقاتم تاخ نیست و عصبانی هم نیستم و خیلی هم خوشوقت می شوم و مخصوصاً این جمله را عرض میکنم که یادداشت بفرمایند امیدوارم حضرت والا تا آخر دوره ششم این رویه منفی بافی را که پیش گرفته اند تعقیب بفرمایند و تغییر ندهند.

محمد ولی میرزا - منفی بافی نیست.

شیروانی - این اسباب خوشوقتی عده از آقایان خواهد بود که ایشان همین رویه نقادی را تعقیب بفرمایند تا ما هم بتوانیم در نتیجه از این نقادی استفاده کنیم و بر قانونی که امروز از مجلس میگذرد بیشتر دقت شود و اگر نواقصی دارد باین وسیله رفع شود و امیدواریم که این رویه شخصی ایشان باشد نه رویه سیاسی

که یک روزی هم تغییر کند. فرمودند یک مسائلی من از نقطه نظر اقتصادی میگویم و دیگران می آیند و افکار مجلس را مشتت می کنند و بالاخره نتیجه این میشود که ایشان یک مسائل صحیحی را میگویند و دیگری میاید مسائل سقیمی را اظهار می کند و مجلس هم قسمت ثانی را می پذیرد. بنده که بسهم خودم زیر این بار نیروم و این را قبول ندارم حالا اگر سایرین زیر این بار میروند که در نتیجه تشتت افکار یک قوانینی تصویب میشود نمیدانم! اما راجع به اقتصاد شرحی فرمودند بنده تصدیق میکنم که از نقطه نظر شخصی حضرت والا یک شخص مقتصدی هستند ولی از نقطه نظر علمی تصور میکنم این اندازه که ایشان اطلاعات دارند دیگران هم دارند و همچو نیست که ایشان یک اطلاعاتی زیادتر از اطلاعات دیگران داشته باشند. مسموعات ایشان را سایرین هم شنیده اند و البته اگر بخواهیم زیاد در این باب اظهار اطلاع کنیم آنوقت همانطور که خودشان فرمودند افکار را مشتت میکنیم پس خوبست بگذاریم نظریات اقتصادی را همان علماء علم اقتصاد بیان کنند. فرمودند واحد مقیاس مملکت ما قران است و رویه و چرونس لیره نیست. این صحیح است. آقا سید یعقوب هم همین را گفتند. فرمودند: چون واحد مقیاس ما قران است لذا نباید پول دیگری در مملکت ما غالبیت و اکثریت داشته باشد و بالاخره پستخانه شما نباید بگیرد و بگوید چون رویه در فلان جا رسمیت ندارد من قبول نمیکنم و قران قبول میکنم. آقای آقا سید یعقوب هم همین را گفتند و نکته هم همین جا بود منتهی حضرت والا نخواستند توجه بفرمایند. فرمودند ما میخواهیم از نقطه نظر تجارتهای و اقتصاد صحبت کنیم ما هم همه میخواهیم در این موضوع حرف بزنیم و نظرمان این است که آن لایحی گری های سابق دوباره تجدید و تکرار نشود. اینها یک مسائلی است که دارد رو به اصلاح میروند. افکار عمومی و فهم عمومی به این مسائل متوجه شده و دولت ها هم در نتیجه افکار عمومی به اهمیت مساله پی برده و این لایحه را به مجلس تقدیم کرده است. افکار حضرت والا مال آن روزی است که اهمیت به این مسائل نمیدادند ولی امروزه ما اهمیت میدهیم و معتقدیم که سکه خودسان باید در مملکت رواج داشته باشد نه اینکه پول دیگری در یک قسمت مملکت اقلیت داشته باشد. از نقطه نظر مال التجاره طلا و نقره صحیح است و هر پولی را ممکن است در بازار در ترازو بگذارند و بسنجند به بینند چقدر طلا و نقره دارد و به همان اندازه خرید و فروش کنند. اما رویه اینطور نیست زیرا ممکن است مثلاً از نظر مقدار نقره سی و پنج شاهی نقره داشته باشد ولی در مقابل دو ریال بما بدهند. پس ما نباید از لحاظ سکه زیر این بار برویم که پول دیگران بطور سکه در یک قسمت از مملکت ما رواج باشد حضرت والا اگر قدری دقت بفرمایند اهمیت موضوع را بی خواهند برد. الا از در جنوب رویه اکثریت پیدا کرده و جای قران را گرفته. موضوع موضوع تجارتهای نیست!! اینکه فرسودید در بازارهای دنیا لیره را قبول می کنند خوب بود میفرمودید و اسم سی بردید که در کجا نقره را قبول می کنند؟ در بازار لندن آیا دو قران محمد علی شاهی را قبول میکنند؟ نه در آنجا بلکه در هیچ جای دیگر حتی در بغداد

هم حالا دیگر قبول نمی کنند. آن چیزی را که شما ملاحظه میکنید در بازار دنیا قبول می کنند طلا است. بلی اشرقی را چون زیادتر از قیمتش طلا دارد قبول می کنند نه از نقطه نظر سکه ولی رویه در جنوب حال سکه را پیدا کرده و از نقطه نظر سکه داد و ستد میشود و این خیلی با این مسئله فرق دارد. اینکه فرمودید در دوره چهارم یک موضوعی راجع به منع خروج طلا و نقره از سرحدی بسرحد دیگر در مجلس طرح شد گویا قصدتان کاپوتاز بود. در این موضوع هم اگر آن اوقات یعنی در دوره چهارم دولت وقت یک مراقبت عمیقی نکرده و پولهای طلا و نقره شما را به این عنوان که از سرحد بسرحد دیگر خودتان یعنی از بوشهر به محرمه ببرند و در نقاط نفت جنوب خرج کنند نبرده و در بغداد برده و نقره اش را آب کرده به مصرف رسانده اند این ربطی به امروز ندارد. البته امروز در این قسمت هم باید بدولت تذکر داد که در قسمت کاپوتاز هم که اجازه میدهند طوری اجازه بدهند که گمرک بوشهر و محرمه هم اطلاع داشته باشد و بداند چقدر طلا و نقره حمل شده است و در آنجا تحویل بگیرند. حضرت والا موضوع این لایحه را کج کردند و رفتند سر لایحه که چند روز قبل تصویب شد و گویا امروز هم مخالف بودند. اساساً ایشان منع طلا و نقره را مخالف بودند و آن روز هم جواب کافی به ایشان و سایر مخالفین داده شد و گفتیم در سملکتی که معادن طلا و نقره اش استخراج نشده و سرزیش از همه چیز احتیاج به مسکوک طلا و نقره دارد در چنین سملکتی نباید جلوطلا و نقره را ول کرد و آزاد گذاشت که متصل خارج شود. بلکه بعکس باید جلو خروج را گرفت و حتی الامکان سعی باید کرد که طلا و نقره از چنین سملکتی خارج نشود.

محمودولی میرزا - اخطار دارم.

رئیس - نفاذنامه را ملاحظه بفرمائید. در موقعی که ناطق مشغول حرف زدن است نمیتوان اخطار کرد.

محمودولی میرزا - مطالب بنده را سوء تعبیر کردند.

رئیس - بی اجازه هم حرف نزنید.

شیروانی - امروز حضرت والا عقیده داشتند که با طلا و نقره هم مثل مال التجاره رفتار شود و بگذارند خارج شود. آقای فرمند هم صحیح است بفرمودند.

فرمند - بنده صحیح است نگفتم.

شیروانی - بسیار خوب. نفرمودید بهتر. پس آن موضوع ارتباطی با این موضوع نداشت که از اول تا آخر نطقشان مربوط به آن موضوع بود. اینجا حرف سر این است که دولت منع می کند سکه خارجی مثل مسکوکات ایران یعنی مثلاً دو هزاری و پنج هزاری در سملکت رایج و معمول باشد و بالاخره در تمام سملکت باید مسکوک مملکت ایران رواج داشته باشد نه مسکوک خارجی. مقصود بطور رسمی است والا ممکن است آنها را در ترازو بگذارند و از روی میزان نقره بفروشند. مقصود این است که یک سکه که در لندن رسمیت و قیمت دارد. در سملکت ما رواج رسمی نداشته باشد. و بنده معتقدم که هیچ وطن پرستی این اجازه را نخواهد داد. فرمودند خویست پستخانه و ادارات دولتی قبول نکنند بنده عرض

با خروج رویه موافقم و معتقدم که در تمام سملکت باید دوقرانی خودسان رواج داشته باشد اما از نقطه نظر طلا. بنده در موقعی که قانون منع خروج طلا و نقره مطرح بود عرایضم را عرض کردم ولی بسند آقایان واقع نشد.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

فرمند - بلی صحیح است. اما عقیده بنده هم تغییر نکرده و اتفاقاً وضعیت هم نشان میدهد که عقیده من بی اساس نبوده آنروزی که ما بآن قانون رأی دادیم برات لیره انگلیس چهار تومان نه قران - نه قران و دهشاهی بود و عین لیره چهل و پنجاهزار بود بعد آمد عین لیره چهار تومان و شش قران شد ولی قیمت برات به پنجاه و دو قران پنجاه و سه قران رسیده. بنده آن روز هم که خدمت آقایان عرض کردم وقتی که تجارت ما در سمالک خارجه اعتبارات شخصی ندارند نباید دست آنها را بست بلکه باید دست آنها را باز گذارد و بآنها اجازه داد که شمش طلا یا مسکوکات طلا با خودشان ببرند الان در طهران اگر یک نفر تاجر بخواهد صد هزار لیره بفرستد به لندن باید هفتاد هزار تومان خسارت براتی بدهد. در صورتیکه همین لیره را میتواند بخرد و با بست بفرستد و این ضرر ندارد و غیر از سملکت ما هم همه جا بیمه هست فقط تا سرحد ما است که بیمه ندارد زیرا لیره انگلیس چه طلا باشد چه کاغذ در لندن فرقی ندارد. و اینکه بنده پیشنهاد کردم که مسکوک طلای خارجی یعنی لیره انگلیس و عثمانی هم در خروج آزاد باشد از همین نظر است و معتقدم که دوهزار سال رواج باید پیدا کند و رویه هم که خارج میشود بصورت مال التجاره برگردد این نکته را هم بعرض رساندم که ثروت ملی در دنیا امروزه طلا و نقره محاسب نمی شود بلکه هرملتی که بیشتر کار میکند و بیشتر محصول بیرون می آورد و از محصول خودش بیشتر استفاده می کند او ثروت نسبی زیادتر است والا اگر از آسمان طلا هم بریزد فایده ندارد. ما نباید این اندازه غصه طلا و نقره را بخوریم. حالا برای اشرقی اگر غصه بخوریم چندان عیبی ندارد زیرا برای ایام عید و دادن عیدی لازم داریم مقصود ما از تمام این کارها این است که تجارت ضرر نکنند و استفاده نمایند ولی این کاریکه ما کرده ایم به طوریکه بنده حساب کرده ام هر لیره ای شش هفت قران برانش تفاوت دارد و در صد هزار لیره هفتاد هزار تومان ضرر تجاری میشود. و معلوم هم نیست این پول به جیب کی میرود به جیب و هم... و هم چیست؟ این است که ما امروز حساب پنجاه سال قبل را می کنیم که ثروت ملی طلا و نقره بوده است و حال اینکه امروزه دیگر آن فکر پیش علماء اقتصاد نیست و اینکه طلا را حبس می کنند برای خاطر اعتبار اسکناس است این بود عرایض بنده و استدعا دارم آقایان یک قدری بیشتر در عرایض بنده توجه بفرمایند.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه).

شیروانی - اظهارات آقای فرمند شبیه به اظهارات سایرین نبود. ایشان درست آن اوقاتی را که در اروپا بوده اند تصور میکنند در همان محیط ایستاده و خیال میکنند در همان کلاس درسند. از این جهت بک اصل مسلمه را که راجع به تجارت خواننده و

پیشنهاد میکنند و میگویند دولت باید مساعی خودش را اعمال کند برای اینکه مقدار کافی سکه داخلی را به این نقاط بفرستد تا تجارت بتوانند معامله بکنند بدیهی است مادام که یک سکه در یک نقطه رواج دارد و مورد معامله تجارت است پستخانه یا تلگراف خانه یا سایر ادارات دولتی نمیتوانند آنرا قبول نکنند و اگر بخواهند اینکار را بکنند اسباب ضرر تجارت و مردم خواهد بود. بنده تصور نمیکنم آقایان راضی بشوند که حتی تجارت خارجی هم اگر سکه خارجی داشته باشند و در سملکت رواج داشته باشد آنها هم ضرر میکنند پس بایستی عادلانه در اینکار اقدام کرد و بهترین طریق اقدام هم همین است که پیشنهاد شده و برای اینکه دولت هم از سرسکه خارجی محفوظ بماند و هم اسباب ضرر دولت و مردم فراهم شده باشد این لایحه را به این ترتیب تقدیم کردیم و بدیهی است وقتیکه دولت بخواهد اینطور جلوگیری از رواج سکه خارجه در سملکت بکند ناچار است یک ضرب الاجلی قرار دهد و تصور نمیکنم غیر از این یک راه دیگری داشته باشد و بنده خیلی قدرشناسی میکنم از احساسات اکثریت مجلس شورای سلی که به زودی به اهمیت نکته پی برده و در این باب اظهار سوافقت میفرمایند و امیدوارم بزودی این لایحه تصویب شود تا احکام لازم هم صادر و موقع اجراء گذارده شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای عمادی قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که عرض مسکوک نقره فقط مسکوک رویه باشد.

عمادی - آقای وزیر مالیه در لایحه خود دلیلی که اقامه فرموده بودند فقط کسر قیمت رویه بود و چون فقط دلیلشان این بود لذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که فقط مسکوک رویه اجازه داده شود که در این دوماه از سملکت خارج شود نه مسکوک دیگری.

وزیر مالیه - عرض میکنم نظر آقا صحیح است و مقصود هم همین منظور آقا است و آقایان نمایندگان هم البته اطلاع دارند که سالیه در ایران سکه خارجی که طرف معامله باشد غیر از رویه چیز دیگری وجود ندارد و سکه های دیگر از بین رفته است ولی چون دولت ذکر رویه را منحصرأ در قانون مناسب ندید لذا اینطور پیشنهاد کرد والا نظر دیگری در پیش نبود.

عمادی - بنده پس گرفتم.

رئیس - پیشنهاد آقای فرمند قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

مقام سنج ریاست مجلس شورای ملی - بنده پیشنهاد میکنم که ماده واحده اینطور اصلاح شود مدت دوماه پنج ماه باشد و مسکوک طلاهای خارجی بعد از نقره اضافه شود.

رئیس - آقای فرمند (اجازه)

فرمند - عرض میکنم بنده از نقطه نظر اینکه پول ما نقره است و در سملکت باید مسکوکات نقره خودسان رواج داشته باشد

دیده اند همانها را فقط در نظر می گیرند و اظهار می فرمایند. تصور نمی فرمایند که در ایران واقع شده اند البته اگر یک روزی در نتیجه اجرای همین قانون آن مسائلی را که ایشان در نظر دارند و می فرمایند ما توانستیم احراز کنیم یعنی یک روزی اگر ما کار ثروت ملی خودمان را بجائی رساندیم که طلا و نقره ثروت ملی ما محسوب نشد ممکن است این افکار را قبول کنیم ولی باید تصدیق کرد که در همان ممالکی که ثروت ملیشان طلا و نقره نیست فرضاً در مملکت فرانسه تا در بانگهای فرانسه یک مقدار طلا موجود نباشد قیمت فرانک ترقی و تنزل نمی کند و هر قدر از میزان طلای او کاسته شود از قیمت فرانک کاسته میشود و به همین سناست است که می بینید در تمام دنیا قیمت پول های کاغذی بالا و پائین می رود وقتی که پولهای کاغذی شما بتواند تطبیق کند با طلائی که در مملکت موجود است آنوقت طلا و نقره را ثروت ملی محسوب نکنند آن مطلبی که حضرت عالی می فرمائید در جای خودش صحیح است ولی امروز گفتگو در این است که می خواهیم رویه برداشته شود برای اینکه مقداری رویه در دست تجار ما هست و اینها در مقابل خود یک مانع قانونی می بینند یعنی اگر نگاه دارند و شمش درست کنند ضرر می کنند و اگر هم بخواهند خارج کنند که قانون آنها را منع کرده بنابراین تقاضا کرده اند که یک مدتی به آنها اجازه داده شود که رویه خود را بیرون بفرستند. در این صورت هیچ ارتباطی با این موضوعی که فرمودند ندارد. رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای فرسند رای هم قطعی است آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند. (معدودی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای سید یعقوب. (اینطور قرائت شد) مقام محترم ریاست. پیشنهاد می کنم در ماده واحده پس از کلمه بیستم آبان نوشته شود پس از تصویب این قانون. رئیس - آقای آقای سید یعقوب (اجازه).

آقا سید یعقوب - بنده اساساً خارج از نزاکت نمی شوم ولی خواستم به شاهزاده محمد ولی میرزا عرض کنم که بنده عماسه سرم هست. کلاه سرم نیست. آقایان شما همیشه باید این ملاحظه را داشته باشید و تا قانون از مجلس نگذرد نباید کاری بکنند. ما حقیقتاً گرفتاریم آقایان وزراء یک کاری را می کنند بعد از اینکه تمام شد آنوقت می گویند امضاء کنید. آقایان وزراء شما مسئول قانون هستید هیچ حق ندارید این کار را بکنید وقتی که قانون گذشت آنوقت اجرا کنید یک عده ای هم در مجلس موافق با شما هستند و پیش شما گیر هستند چه کار کنند؟ حاکم شما قانون است شما باید قانون را اجرا کنید!! حالا تذکر میدهم بعد از این هم استیضاح میکنم. تا قبلاً کاری نکنند بعد بیایند اجازه اش را از مجلس بگیرند!!

وزیر مالیه - گمان میکنم این تذکرات تحصیل نامه ایست. البته دولت خوب میداند که بایستی قانون را حاکم خود بداند و آنچه را که از تصویب گذشت اجرا کند. در اینجا که نوشته شده بود بیستم آبان برای این بود که این قانون قبل از بیستم آبان تقدیم

صحیح است) آقای عمادی عم گویا پیشنهاد خودشان را پس از توضیحات آقای وزیر مالیه مسترد کردند. عمادی - بلی.

آقای سید یعقوب - ایشان پس گرفتند بنده که پس نگرتم. بعد از اینکه این مقدمه را شاهزاده پیشنهاد کرد و آقای وزیر هم قبول فرمودند. حالا بنده مخالفم و عقیده ندارم کلمه مسکوک نوشته شود آن وقت از فردا در بازار شروع میکنند که لیره ها را جمع کنند و چون این مقدمه در ماده زیاد شده است بنده پیشنهاد میکنم مسکوک نقره نوشته شود.

رئیس - گویا درست توجه نفرمودید در قرائت ماده نظریه حضرت عالی تأمین شده است. مجدداً قرائت میشود. (به شرح سابق خوانده شد)

رئیس - پیشنهاد تجزیه شده است. دادگر - خوبست چند دقیقه تنفس داده شود. رئیس - تمام کارها مان را کرده ایم فقط رای گرفتن مانده است.

دادگر - بعضی مطالب هست که باید یک قدری در آنها تأمل کرد و به عقیده بنده تنفس یکی از موارد خورش همین جاست و بعضی سواق پیش میاید که ممکن است با مختصر تأملی مطلب را درست کرد از این توضیحاتی که داده شد واقعاً عقیده بنده متشتت شد و محتاجیم که یک مشاوره هائی بکنیم تا اینکه بعدها یک تلفاتی نداشته باشیم.

رئیس - آقای فاطمی. (اجازه) فاطمی - بنده از اول همین نظری را که آقای دادگر دارند داشتیم و با فوریت هم مخالف بودم و همیشه هم با این قبیل لوایح که تقاضای دو فوریت میشود مخالف هستم چون درست قضیه روشن نمیشود ولی بعد از توضیحاتی که داده شد سلطنت شدم که مسأله ساده است فقط نظر به اینکه قانون بیست و چهارم مهر منع میکند خروج طلا و نقره را و رویه هائی که در جنوب جمع شده است اسباب زحمت برای تجار فراهم کرده است تقاضا کرده اند که برای مدت دو ماه اجازه داده شود رویه خارج شود. حالا ما هر قدر هم فکر کنیم بالاخره اصل موضوع اینست و چون همه قسم صحبتها شده است بعقیده بنده باید رای گرفته شود و کار تمام شود. رئیس - (خطاب به آقای دادگر) پیشنهادتان را مسترد میدارید.

دادگر - خیر. بنده قانع نشدم. رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای دادگر آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند. (عده برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. ماده تجزیه میشود به این ترتیب از «نظر به اینکه» تا «مجلس شورای ملی».

یاسائی - سابقه ندارد. رئیس - چرا خیلی سابقه دارد به قوانین مراجعه کنید. رای گرفته میشود به قسمت اول ماده یعنی آن قسمتی که اضافه شد و

این خرید و فروش و مبادله را اسمش را رواج میگذارید اگر اسم این را رواج بگذارید از نقطه نظر اصطلاحی این رواج نیست، بلکه رواج مربوط به پولی است که از نقطه نظر مملکت رواج داشته باشد اما اگر از نظر خرید و فروش باشد فرق نمیکند امروز یک رویه یا لیره یک قیمت دارد. فردا یک قران زیاد یا کم میشود حالا اگر آقای وزیر مالیه پیشنهاد بنده را همانطور که هست قبول بفرمایند که هیچ والا بنده نظر ایشان را قبول میکنم.

وزیر مالیه - بنده درین قسمت هم موافقم ولی سکه طلای خودمان هم در مملکت رواج ندارد و فقط پول نقره ما رواج است. رئیس - آقای شیروانی. (اجازه)

شیروانی - اساساً بنده مخالف این جمله هستم که درین جا اضافه شود. برای اینکه پول رواج مملکت ما و سکه ما همان سکه مملکت خودمان است. هیچ سکه در مملکت ما رواج نیست که ما قانون وضع کنیم که از رواج سکه خارجی جلوگیری کنیم و بعقیده بنده این یک نوع تذکر خوبی نیست که در مجلس اظهار شود زیرا در مملکت ما پول خارجی رواج نیست مملکت ما رسماً از خودش سکه دارد. یک وقت در یک گوشه از مملکت ممکن است سکه خارجه بیاید و زیاد شود که صورت رواج بخورد بگیرد. دولت بدون گذراندن قانون مکلف است جلو رواج سکه خارجی را بگیرد ولی حالا ما قانون وضع کنیم که سکه ایران سکه ایرانست چندان کار خوبی نیست. البته سکه ایران سکه ایران است و حالا ما بیائیم یک همچو عبارتی اینجا اضافه کنیم که سکه خارجی اینجا رواج نیست گویا لازم نباشد اصلاً سکه خارجی اینجا رواج لازم نیست که ما قانون برای آن بگذاریم. در یک گوشه مملکت ممکن است سکه خارجی زیاد وارد شود که صورت سکه رسمی بخودش بگیرد دولت مکلف است اصلاً جلو آن را بگیرد این است که بنده کاملاً با اضافه این جمله مخالفم.

رئیس - آقای فیروز میرزا. (اجازه) فیروز میرزا - یک توضیحی میتوانم عرض کنم؟ رئیس - در پیشنهاد نمیشود دوسرته توضیح داد. یک سرتبه دیگر قرائت میشود.

(به شرح سابق خوانده شد) شیروانی - بنده تقاضای تجزیه میکنم. رئیس - ماده با مقدمه اش قرائت میشود. (به شرح آتی قرائت شد)

ماده واحده - نظر به اینکه در ممالک ایران غیر از سکه ایرانی نباید رواج داشته باشد مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد از تاریخ تصویب این قانون تا مدت شصت روز از صدور مسکوکات نقره خارجی از سرحدات ایران سمانعت ننماید. پس از انقضای مدت مزبور قانون ۲۴ مهر ۱۳۰۵ مجدداً شامل این قبیل مسکوکات نیز شده و صدور آنها کمافی السابق کاملاً ممنوع بوده و جنس محسوب خواهند بود.

رئیس - بنده میخواستم تذکر آ عرض کنم اگر مجلس قبول کند کلمه ممالک به مملکت تبدیل شود (بعضی از نمایندگان -

وزیر مالیه هم قبول کردند. آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود به قسمت دوم ماده که پیشنهاد خود دولتست با اصلاحاتی که شد و قبول هم کردند. آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود. به مجموع هردو قسمت. آقایانی که موافقت قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. حالا تنفس داده میشود.

(درین موقع جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهاد آقای حائری زاده.

(این طور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم راپرت کمیسیون مبتکرات مطرح شود.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - مسأله الغاء مالیاتهای صنفی مدتیست راپرت آن از کمیسیون بیرون آمده و جلسه پیش جزء دستور بود ولی چون

ظهر گذشته بود و آقایان کمالت داشتند مطرح نشد مذاکرات زیادی هم لازم ندارد. فقط باید به قابل توجه بودنش رأی گرفته شود و ارجاع به کمیسیون شود.

شیروانی - بنده مخالفم.

رئیس - جزء دستور بود ایشان تقاضا میکنند در دستورمقدم باشد. آقای شیروانی. (اجازه)

شیروانی - یک ماده از قانون پریروز باقی است اگر اجازه میفرمائید آن را تمام کنیم بعد این را مطرح کنیم.

حائری زاده - اجازه میفرمائید.

رئیس - بفرمائید.

حائری زاده - بنده از آقای شیروانی استدعا میکنم این را مقدم بدارند زیرا ممکن است در کلیات آن قانون زیاد سدا کرده بشود ولی این هیچ مذاکره ندارد و یک رأی مختصری لازم است و ممکن است بعد از گذشتن این مسأله آن را مطرح کنند.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای حائری زاده که خبر کمیسیون مبتکرات راجع به الغاء مالیاتهای صنفی مقدم در دستور باشد. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد، آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - موافقم.

رئیس - آقای شیروانی.

شیروانی - موافقم.

رئیس - آقای فاطمی.

فاطمی - موافقم.

رئیس - آقای دادگر.

دادگر - موافقم.

رئیس - آقای شریعت زاده.

شریعت زاده - موافقم.

رئیس - آقای محمودولی میرزا.

محمودولی میرزا - موافقم.

رئیس - آقای فهیمی. (اجازه)

فهیمی - بنده در اصل این طرح نظریاتی دارم که حالا عرض نمیکنم ولی در اینجا دو موضوع را خواستم تذکر بدهم یکی اینکه در جلسه پریروز کمیسیون قوانین مالیه آقای دکتر بیلیسپو آمده بودند و در همین موضوع مذاکره شد، گفتند «خوبست از مجلس تقاضا شود که فعلاً این مسأله را مطرح نکنند چون راجع بالغاء مالیاتهای صنفی طرحی تهیه و عن قریب به مجلس تقدیم خواهد شد» و مسأله دیگر اینکه در راپرت کمیسیون مبتکرات مینویسد: به کمیسیون بودجه ارجاع شود. در صورتیکه این موضوع راجع به کمیسیون قوانین مالیه است زیرا نسخ مالیات موجود یا برقراری مالیات جدید از وظائف کمیسیون قوانین مالیه است و کمیسیون بودجه پس از ایفاء این مالیات در بودجه هذلسنه یا سنه آتی در ضمن صورتیکه از عایدات میدهد ممکن است عایدات صنفی را موقوف کند چنانکه در سنه گذشته مالیات خانواری را موقوف کرد و تصور میکنم اساساً تصمیمی که راجع به برقراری یا الغاء مالیاتها گرفته میشود باید به کمیسیون قوانین مالیه مراجعه شود.

رئیس - آقای حائری زاده. (اجازه)

حائری زاده - بنده تصور میکنم منافاتی نداشته باشد زیرا خود دولت نظر موافق دارد در الغاء این مالیات نهایت این است که هنوز مطالعاتش تمام نشده و البته پس از اینکه این راپرت رفت به کمیسیون مربوطه دولت هم نباید در کمیسیون و نظریات خودش را اظهار میدهد. اما راجع به کمیسیون این مالیات یک مالیاتی نیست که قانونی باشد یعنی بموجب یک قانون مخصوص مجلس این مالیات را برقرار نکرده که حالا برای الغاء آن کمیسیون قوانین مالیه رأی بدهد، یک مالیاتی است از آثار عهد عتیق و سکوت مجلس این مالیات را همینطور باقی گذاشته و اگر درحقیقت مجلس سخت می گرفت دولتها هیچ حق نداشتند این مالیات را بگیرند و حالا چون این صد و هشتاد هزار تومان مالیات صنفی از عایدات مملکتی کسر میشود به این جهت گمان میکنم مربوط به کمیسیون بودجه باشد.

فهیمی - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

فهیمی - اینکه فرمودند این مالیات را مجلس رأی نداده است اشتباه کردند، مالیات صنفی جزو مالیاتهای ارضی بود و مجلس هم رأی داده ولی بعد مالیات ارضی و صنفی تفکیک شد، و اینکه فرمودند «صد و هشتاد هزار تومان جمع این مالیات میشود» اینطور نیست و خیلی بیشتر از این است و این مالیات صنفی هم چیزی نیست که بدون مطالعه و دقت بشود از روی احساسات لغو کرد و

تماماً متوجه به این باشد بنده که مخالفم در اینجا از نقطه نظر ماده سوم است که امروز هم عرض کردم و داد و فریاد هم کردم و بالاخره تصویب شد ولی باید عرض کنم که هنوز بر ما معلوم نیست که چه اختیاراتی به این مستخدمین میدهند و چه تعدیات و حرکات بی رویه از اینها ناشی میشود، خوبست مجلس در این قضایا بهتر قضاوت کند، ما یک مستخدمینی آوردیم که باید اینها رادر

تحت عمل بیاوریم ولی امروز ملت ایران تمام داد و فریاد دارند، آقای فاطمی میفرمایند کمتر صحبت کنید! بنده عرض میکنم هنوز مخارج انتخابات ولایات را نداده اند!! ما زورهای میگوید «چون نظریات من در انتخابات تأمین نشده از این جهت نمیدهم» و همینطور راجع به اصفهان که مخارج انتخابات را نمیدهند و همینطور نسبت بجاهای دیگر!! اینها تا این اندازه ما را اختناق کرده اند!! بنده عقیده ندارم که به اینها اینقدر اختیار داده شود و تا این اندازه قوت داشته باشند که ما را اختناق کنند، بنده میگویم تمام کارها باید برسیل قانون باشد و حکومت حکومت ایرانیها باشد زیرا اینها مستخدمین ایران هستند ما ساده سه را نوشتیم و عطف به سایر سوادشان کردیم، بنده میگویم «همان سواد سابق خانه ما را خراب کرده است و حالا که ما از قضایا مطلع شده ایم و همه نمایندگان مستحضر شده اند خوبست به اختیارات اینها نظر بکنیم و به این ادارات کیف مایشائی یک نظر بیشتری بکنیم» و بهتر این بود که این ماده برگردد به کمیسیون و فردا که ما دوازده نفر به عنوان نقشه برداری استخدام میکنیم ملاحظه خواهید نمود که بطور مطلق حکومت میکنند این عرایض بنده بود راجع به این ماده که عرض کردم دیگر بسته به نظر آقایان است.

رئیس - آقای دادگر. (اجازه)

دادگر - بعضی مطالب است که ارتباط با مطلب ندارد ولی باید گفته شود. فرضاً وقتی ما یک مستخدمی داشته باشیم مادام که مسمم به برداشتن او نباشیم بنده عقیده ندارم که در این بین ها می او را بگزیم...

آقاسید یعقوب - او باید ما را بگذرد؟

دادگر - بنده خودم در تمام ادارات برده ام و با غالب ادارات تماس داشته ام و از اصلاحاتی که در این مدت شده بنده مطمئن و میدانم که اوضاع مملکت چقدر رو به ترقی و بهبودی رفته و البته مسؤلیت هم بدون اختیار نمیشود منتها اگر نواقصی در کار هست اینها را باید با زبان لین گفت و اصلاح آنرا خواست و البته با زبان لین هم بهتر اصلاح میشود والا می نباید بدگویی کرد و متصل تفیذ کرد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رأی گرفته میشود به این قانون که مشتمل بر چهار ماده است با ورقه آقایانیکه موافقت ورقه سفید خواهند داد.

(اخذ آراء بعمل آمد)

رئیس - اخذ اوراق رأی تمام شد.

[تعداد آراء بعمل آمده نتیجه بطریق ذیل حاصل شد:

ورقه سفید علامت قبول ۶۳، ورقه کبود علامت رد ۵]

یک خساراتی بدولت وارد آورد. بنده اصولاً با این مالیاتهای صنفی کاملاً مخالفم و البته باید موقوف شود لکن در ضمن یک مسأله کلی نباید یک نظریاتی گرفت که مخالف صلاح مملکت باشد.

بعضی از نمایندگان - مخالف صلاح مملکت نیست.

رئیس - آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی - بطوریکه آقای حائری زاده فرمودند قانون مخصوصی برای برقراری مالیاتهای صنفی از مجلس نگذشته است و فقط در ضمن بودجه های سالیانه مجلس رأی داده است، و به همین مناسبت کمیسیون مبتکرات در نظر گرفت که چون مربوط به خرج و دخل مملکتی است به کمیسیون بودجه مراجعه شود چون رأی که مجلس در این خصوص داده است فقط در ضمن بودجه سالیانه و برای یک سال بوده است، و اینکه فرمودند خوبست مطالعات بیشتری بشود که به بینیم مبلغش بیشتر یا کمتر است. ما عجله این طرح را به قابل توجه بودنش رأی میدهم بعد که رفت به کمیسیون بودجه به سایر قسمتها رسیدگی میشود و البته دکتر بیلیسپو و هیئت دولت هم در آنجا می آیند و نظریات خودشان را اظهار میکنند و اگر بنا بشود ما معطل شویم تا دولت لایحه در این خصوص تنظیم کرده و به مجلس بیاورد همانطوریکه در دوره پنجم معطل شدیم در این دوره هم موفق نخواهیم شد این مالیات را نسخ کنیم و البته آقایان راضی نخواهند شد که یک مالیات ظالمانه باقی بماند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کفایت.

رئیس - رأی گرفته میشود به قابل توجه میداند قیام فرمایند.

مبتکرات آقایانیکه قابل توجه میداند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد، خبر کمیسیون بودجه راجع به ماده چهارم قانون استخدام مهندسیین امریکائی که در جلسه گذشته ارجاع به کمیسیون شده بود مطرح است.

(به شرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون بودجه پیشنهادات آقایان شریعت زاده و ضیاء را تحت مذاقه و شور قرارداد و با مختصر اصلاحی ماده ذیل را به عنوان ماده چهارم لایحه استخدام دوازده نفر متخصصین امریکائی تنظیم و برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی مینماید. ماده چهارم - وزارتین فوائد عامه و مالیه هر یک در حدود اختیارات و وظائف قانونی مربوطه بخود مأمور اجرای این قانون خواهند بود.

رئیس - مخالفی ندارد؟ گفته شد «خیر».

رأی گرفته میشود به این ماده آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. شوردر کلیاتست، آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب - رئیس محترم کمیسیون بودجه فرمودند که

بنده عرض نکند ولی بنده ناچارم عرایضم را عرض کنم اما خیلی قصیر و کوتاه عرض میکنم برای اینکه هم هیئت دولت متذکر شوند وهم ذهن آقایان نمایندگان حاضر باشد برای زمان آتی که ما در نظر داریم، روش دولت و مأمورین دولت مخصوصاً ادارات مالیه

رئیس - عده حضار هشتاد و شش نفر، به اکثریت شصت و سه رأی تصویب شد.

اسامی موافقین

آقایان دشتی - آقاسید ابوالحسن حائری زاده - حاج سیرزا آقا فرشی - کی استوان - سیرزا عبدالاسیرخان نگهبان - سیرزا علی حقنویس - احتشام زاده - سیرزا حسین خان دادگر - شیروانی - دکتر سنگ - سیرزا حسن علی خان فرمند - آقاسیرزا سید علی عمادی - امیر حسین خان ایلخانی - آقاسیرزا سید احمد بیهبانی - سیرزا محمد تقی بهار - سیرزا سید مهدی (معمدالتولیه) - آقاسیرزا ابراهیم آشتیانی - ثقة الاسلام بروجرودی - سیرزا ابراهیم امام جمعه اهر - شیخ الاسلام سلایری - شریعت زاده - سیرزا محمد علیخان نظام مافی - محمد تقی خان اسعد - محمد علی میرزا دولتشاهی - حاج آقا رضا رفیع - ملک ایرج پور تیمور - دکتر لقمان - شیخ العراقرین بیات - سیرزا حسنخان اسفندیاری - سیرزا عبدالباقی - سید حسین آقایان - یاسائی - ارباب کیخسرو - سیرزا صادق خان خواجوی - سیرزا سید احمدخان اعتبار - آقارضا مهدوی - سیرزا علیخان اعظمی - سیرزا سید مهدی خان فاطمی - آقاسید مهدی بنی سلیمان - سیرزا حسین خان وزیر - سیرزا عبدالعزیز مفتی - عطاء الله خان پالیزی - بهراب خان ساگینیان - اسکندر خان مقدم - وکیلی طباطبائی - ذوالقدر - سیرزا ابراهیم خان ملک آرائی - عصر انقلاب - ثابت - نصره الله خان اسکندری - سیرزا حسین خان موقر - افشار - سیرزا سید حسین خان میرمناز - ابوالحسن خان ثقة الاسلامی - سیرزا ربیع خان جهانشاهی - نوبخت - آقاعلی زارع - حیدرقلی سیرزا

حشمتی - سیرزا حسن خان فرمند - دکتر هادی طاهری - سیرزا اسمعیل خان نجوسی - آقاسید ابراهیم ضیاء - امیر تیمور کلالی.

اسامی مخالفین

آقایان حاج اسدالله زوار - فیروزآبادی - سیرزا جوادخان خوئی - لطف الله خان لیتوانی - سیرزا حسین خان جلایی. بعضی از نمایندگان - ختم جلسه.

رئیس - طبعاً چون چیزی در دستور نیست جلسه ختم میشود. خبر کمیسیون فوائد عامه راجع به اتویوس رانی در طهران و بین طهران و شمیران حاضر است ولی کمیسیون خارجه هنوز راپرت نداده است بنابراین اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم میکنیم و جلسه آتیہ روز یکشنبه و دستور هم همان خبر کمیسیون فوائد عامه راجع به اتویوس رانی است منتها کمیسیون خارجه هم اهتمام خواهد کرد که زودتر راپرتش را بدهد. آقای آقاسید یعقوب (اجازه) آقاسید یعقوب - بنده خیلی خجلم ولی استدعا میکنم از کمیسیون خارجه که زودتر این راپرت را بدهد و خیلی لوابح دیگر هم هست که باید بگذرد استدعا میکنم که راپرت آنها را هم بدهند.

رئیس - بنابراین جلسه ختم میشود. جلسه آتیہ یکشنبه سه ساعت قبل از ظهر و دستور هم خبر کمیسیون فوائد عامه و خارجه راجع به اتویوس رانی.

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین
(منشی: سید ابراهیم ضیاء) (منشی: امیر تیمور کلالی)